

رادیکال

سال تحصیلی ۹۷/۹۸ تیر ماه ۱۳۹۸

نشریه دانش آموزی دبیرستان استعدادهای درخشان شهید دکتر رضائیان (دوره اول)



جمهوری اسلامی ایران
اداره کل آموزش و پرورش استان نمرود
میرت آموزش و پرورش نیکاب نمرود



مرکز پرورش استعدادهای درخشان
دانش پژوهان جوان



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان نمرود



محمد رضا مختاری
مدیر مسئول

شروین گلشن مختاری
سر دبیر

محمد مبین فرشی
ویراستار

عماد الدین اسلامی
دستیار دبیر

علی امینی
دبیر

با تشکر فراوان از تمامی
کسانی که ما را در تهیه این
مجله یاری رساندند به ویژه:
• معاونت محترم پرورشی
آقای مسعود شریفی
• معاونت محترم آموزشی
آقای محمد حسن اسماعیلی
• معاونت محترم فناوری
آقای محمدرضا ذلیلی

محمد مهدی عشقی
عکاس

علی ابوظالبی
طراح گرافیک

بهمن مجتبی
طراح گرافیک

امید حیدری
مؤلف

مسعود حیدری
مؤلف

سید حسن رستگاری
مؤلف

احمد رضا منداری
مؤلف

مطالب ارزنده مسئولان در رابطه با مجله رادیکال یک



جناب آقای دکتر دانافر مدیر کل آموزش و پرورش استان یزد

مجله خوبی بود، مطالعه کردم ممنون از شما دانش آموزان عزیز بدون شک این کار خردمندی شما را می رساند.

سرکار خانم امیر چقماق مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک یزد

مجله بسیار خوب و قشنگی است بخصوص این طرح روی جلد که از طرح پیراهن مدرسه گرفته شده و همچنین گرفتن چندین حامی ملی برای این مجله فعالیت ارزنده ای است. انشاءالله ادامه دار باشد



سرکار خانم هاتفی رییس اداره استعدادهای درخشان استان یزد

طراحی و خلاقیتی که در مجله به کار برده شده بسیار قشنگ است و مطالبی هم که در این مجله به کار برده شده بسیار ارزشمند است مطمئنا دانش آموزان سمپاد در صورت فعالیت در همه زمینه ها می توانند پیشرفت های بسزایی را بدست آورند.



با عرض درود و سپاس در این مجله بر آن شدیم که مطابق با مطالب ارزنده عزیزان، موارد اصلاحی مجله رادیکال یک را زودتر اعلام کنیم و هم گذری کوتاه به زندگی پربار تعدادی از استعدادهای درخشان اصلی مدرسه (معلمان عزیزمان) داشته باشیم. انشاءالله بتوانیم قدر این دلسوزان عزیز را بدانیم و مفید بودن در جامعه را به ارمغان بیاوریم.

سر دبیر

شروین آقا شریعتمداری



محمد رضا مختاری مدیر آموزشگاه

چرا معلمی؟ چرا معلمی رو
انتخاب کردید؟
چون هم رهرو راه پدر و هم
به خاطر عشق و علاقه ای که به
این کار داشتم.

اگه نصیحتی یا درددلی دارید
برامون بگید.
از دانش آموزانی که دارای
استعداد برتر هستند می
خواهم نگاه منطقی به
استعداد خود داشته و آن هم
اینکه نسبت به این استعداد
احساس مسئولیت بیشتری کنند
نه اینکه خود را تافته جدا بافته
بدانند و دانیای خود را به دارایی
تبدیل کنند.

اینجانب، محمد رضا مختاری، دارای 27
سال سابقه کار در آموزش و پرورش هستم
دارای سمت های مختلفی از جمله 14 سال به عنوان دبیر
و 10 سال به عنوان معاونت های مختلف در
مدارس دکتر حسابی یک و استعداد های درخشان
شهید صدوق و در حال حاضر به مدت 3 سال مدیر
آموزشگاه استعداد های درخشان شهید دکتر
رمضانخانی مشغول به کار می باشم. دارای دیپلم
تجربی، فوق دیپلم دینی و عربی و کارشناسی
الهیات و معارف اسلامی و کارشناسی ارشد فلسفه
آموزش آموزش و پرورش گرایش تعلیم و تربیت از
دانشگاه خوراسگان اصفهان می باشم. در ضمن
نویسنده کتاب مهارت های زندگی اسلامی از منظر
پیامبر و حضرت علی (ع) که در سه جلد که یک
جلد آن به چاپ رسیده است.
خاطره ای از تحصیلتون که یادتونه می تونید
برامون بگید؟
حضور در کنار دانش آموز مرحوم حاج حسن
دانش به مدت سه سال به عنوان دبیر بودم که
بسیاری از ویژگی های انسان های با کمال را در
وجود او دیدم و از نزدیک لمس کردم.

محمد حسن اسماعیلی معاونت آموزشی آموزشگاه



حتما باید به او گفته باشد همین سوال را پرسید و او نیز همین جواب را داد همکار ما نیز که عصبانی شده بود، با خشم به آنها گفت بالاخره به یکی از شما شما گفتیم و همه بچه های کلاس شروع کردند به خندیدن و بعد متوجه شدیم که آن دانش آموز فراموش کرده به پدرش بگوید و سه قلوها از شباختشان به یکدیگر سواستفاده کرده و دست به یکی کرده و ما را سر کار گذاشتند

چرا به این حرفه روی آوردید : حقیقتا من فکر می کنم که شاید ارزوی پدرم بود، چون در سال 70 که من دیپلم گرفتم هم زمان در دانشگاه کنترل هوایی دانشگاه شهید ستاری و تربیت معلم شهید مطهری شیراز پذیرفته شدم و ابتدا رشته کنترل هوایی که بسیار سخت هم می گرفتند پذیرفته شده و ثبت نام کردم ولی به دلایلی مردد شده بودم و پس از مشورت با افراد مختلف که بیشتر آنها نیز نظرشان به همین رشته بود و زمانی که از پدرم روحشان شاد سوال کردم گفت پسر من از خداوند خواسته ام که هر جا که برای اسلام و کشور مفید تر باشی پذیرفته شوی و من پس از بررسی های دیگر به کسوت معلمی روی آوردم و الان نیز بحمدالله راضی هستم

به نام خدا این جانب محمد حسن اسماعیلی، متولد اولین روز از بهار سال 1351، دارای مدرک کارشناسی در رشته دبیری حرفه و فن با 28 سال سابقه کار در رده های مختلف دبیری، معاونت مدارس، کارشناس و کارشناس مسئول در آموزش و پرورش می باشم.

زیاترین خاطره دوران تدریس : سه قلوهایی که ما را سر کار گذاشتند: زمانی که معاونت یکی از مدارس را برعهده داشتم، سه دانش آموز داشتیم که سه قلوهای همسان بودند و بسیار شبیه به هم و غیر قابل تشخیص در ضمن پدر این دانش آموزان رئیس انجمن مدرسه بود و در مواردی به امضای ایشان نیاز بود، یادم می آید که کار مهمی پیش آمده بود که فرصت نداشتیم و به امضا ایشان نیاز بود. لذا یکی از همکاران معاون ما به کلاس ایشان که همگی در یک کلاس بودند مراجعه و بدون سوال کردن نام به یکی از آنها میگوید که به پدرت بگو حتما فردا به مدرسه بیاید کار مهمی با ایشان داریم. فردای آن روز خبری از پدر ایشان نشد و مدیر هم ناراحت بود من و همکارم به کلاس آنها رفتیم، ایشان از یکی از آنها پرسید مگر به پدرتان نگفتید که به مدرسه بیایند و او جواب داد نه آقا به من نگفتید. سپس همکار ما به خیال اینکه اشتباه کرده است از برادر ایشان پرسید و او نیز همین جواب را داد و او از برادر سوم که مطمئن بود که دیگر



مسعود شریفی معاونت پرورشی آموزشگاه

چرا به این حرفه روی آوردید ؟ از کودکی به احساسی همیشه بهم می گفت که تو بقیه را خوب می شناسی و تا حدودی هم درست بود ، شاید به همین دلیل است که رشته روان شناسی را خیلی دوست دارم .علاقه خاصی به شناخت دیگران ، ورزش و آموزش دادن به بقیه داشتم دوست داشتن رشته روان شناسی و آموزش دادن من را کم کم به معلمی علاقه مند کرد و الان باجرات و بدون شعار می توانم بگویم یکی از فعالیت های لذت بخش روزانه من ، معلمی بودن در کنار دانش آموزان است.

بهترین خاطره از دوران تدریس : من هیچ خاطره ای رانمی توانم از دیگری برتری بدهم تا بتوانم بگویم ولی این را می دانم بدون شک یکی از بالاترین دارایی های معلمان خاطراتی است که هر روز از مدرسه به ارث می برند.

باسلام اینجانب مسعود شریفی در شهریور ماه 1368 در بخش زارچ به دنیا آمدم در دوران تحصیل در مدارس شهر یزد و زارچ در رفت آمد بودم و در سال سرنوشت در بین انتخاب های خود ، تربیت معلم شهرکرد بیشتر خودنمایی کرد بعد از دریافت مدرک فوق دیپلم مشغول به خدمت در شهر یزد شدم و همزمان در تربیت معلم یزد در رشته روان شناسی ادامه تحصیل دادم بعد از دریافت مدرک لیسانس در ادامه نیز در رشته روان شناسی در دانشگاه علامه طباطبائی تهران موفق به دریافت مدرک فوق شدم .

از دوران 12 سال خدمت آموزش و پرورش تا به حال از آموزگاری دبستان شروع و در ادامه سرپرستی آموزشی ، کارشناس اداره آموزش و پرورش و هم اکنون معاونت دبیرستان استعداد های درخشان راعهده دارم از دیگر فعالیت های که در این راستا انجام می دهم مدرس ضمن خدمت ، مشاوره در چندین کلینیک و همچنین مربی رشته های کاراته و آمادگی جسمانی می باشم .

سخن پایانی : دانش آموزان عزیز برای پیشرفت و داشتن یک زندگی موفق سعی کنید تحصیل و مهارت را در کنار ورزش و درسایه توکل به خدا و توجه به او داشته باشید و وقت و زمان خود را در پرورش استعداد های که شما را با انگیزه به پیش می برند صرف کنید این دو موضوع در کنار هم آینده درسی ، مهارتی و حرفه ای خوبی را در کشور عزیزمون ایران براتون رقم خواهد زد .

محمد رضا خلیلی

معاونت پژوهشی آموزشگاه



بعد ها متوجه شدم یکی از دانش آموزانم که در رشته کامپیوتر هنرستان کار و دانش تحصیل می کرد بعد از قبولی در دانشگاه از رشته کامپیوتر انصراف داده و به دلیل علاقه مندی به گیاهان در رشته گیاهان دارویی مشغول به تحصیل شده. وی هم اکنون در مسکو بورسیه شده و در مقطع دکترای بیو تکنولوژی مشغول به تحصیل است.

چرا به این حرفه روی آوردید: اولین تجربه های آموزشی من در مرکز آموزشی فناوری اطلاعات فنی و حرفه ای یزد که در آنجا به تدریس دوره های ICDL کارمندان دولت مشغول شدم و اولین انگیزه های آموزشی من شکل گرفت و به تدریس علاقه مند شدم و سپس در ادامه راه به آموزش و پرورش پیوستم.

محمد رضا خلیلی متولد خرداد 61 هستم. دوره دبیرستان را در جامعه تعلیمات اسلامی (مجتمع سید الشهداء) به پایان رساندم و در دانشگاه در رشته مهندسی کامپیوتر (سخت افزار) مشغول تحصیل شدم و پس از فراغت از دانشگاه در آموزش و پرورش در رشته هنر آموزشی مشغول به خدمت شدم و پس از چند سال توانستم در مقطع کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات فارغ التحصیل شوم

زیباترین خاطره دوران تحصیل: زیباترین خاطره دوران تحصیل من مربوط به دوران دبیرستان و تحصیلات تکمیلی می شود که واقعا برایم ارزشمند است.

زیباترین خاطره دوران تدریس: البته زیباترین خاطره دوران تدریسم مربوط به اوایل خدمتم که در هنرستان مشغول به کار بودم می شود که

سخن پایانی: بنده اخلاق را مهم ترین و حساس ترین نیاز جامعه امروز می دانم، همانطور که پیامبر اکرم (ص) فرمودند "از بعثت لاتمم مکارم الاخلاق" امیدوارم بتوانم که در کنار آموزش علم و دانش برای تعالی اخلاقیات نیز تلاش کنیم در پایان فرازی از مکارم اخلاق حضرت سجاد (ع) (دعای بیستم صحیفه سجادیه) را برای شما می آورم: بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و رستگاری بخش مرا تا کسی که با من ناراستی کند به اخلاص پاسخ دهم و کسی را که از من دوری گزیند به نیکی جزا دهم و کسی که مرا محروم می دارد به بذل و احسان بنوازم.

احمد جعفری دبیر زبان عربی



احمد جعفری هشتم دبیر عربی، دوران دبستان را در اولین دبستان روستایی ایران دبستان ناصر خسرو ندوشن گذراندم و دوره متوسطه اول را در آموزشگاه شهید نظری ندوشن سپس وارد دبیرستان شهید صدوقی همان شهر شدم و دیپلم خود را در رشته علوم تجربی کسب نمودم. بعد از دیپلم در کنکور علوم انسانی شرکت کردم و در دوره کاردانی دانشگاه، فرهنگیان یزد در رشته عربی پذیرفته شدم سپس با شرکت در کنکور دوره کارشناسی را در رشته الهیات و معارف اسلامی و سپس کارشناسی ارشد را در رشته علوم قرآن طی نمودم.

زیباترین خاطره از دوران تحصیل: زیباترین خاطره دوران تحصیل من مربوط است به سال دوم دبیرستان که در دبیرستان شهید صدوقی ندوشن تحصیل می کردم و چون جمعیت کلاس ما 12 نفر بیشتر نبود به علت کمبود کلاس یک اتاق زیر شیروانی بعنوان کلاس درس ما بود که بعد از ورود معلم و قرار گرفتن صندلی معلم در پشت در دیگر نمی شد از کلاس خارج شد و وقتی بچه ها برای کاری مجبور بودند وسط کلاس از دبیر اجازه بگیرند مجبور بودند از پنجره آخر کلاس خارج شوند و دوباره از همان پنجره وارد شوند چون هنگامی که دبیر سر کلاس

مستقر می شد دیگر درب کلاس بخاطر فضای کم باز نمی شد. زیباترین خاطره از دوران تدریس: در سال های اولیه تدریس که هم درس دینی (معارف اسلامی) و هم عربی تدریس می کردم در یکی از سوالات امتحانی نوشته بودم: پیامبران الوالعزم را نام ببرید که در هنگام تایپ کلمه الوالعزم را تایپ نکرده بودم و متن سوال شده بود: پیامبران الوالعزم را نام ببرید. بعد از بیست دقیقه از زمان امتحان یکی از دانش آموزان خویم دست بلند کرد که جا برای جواب ها کم آورده و درخواست برگه اضافه کرد یک برگه به او دادم بعد از پانزده دقیقه دوباره درست بلند کرد و درخواست برگه کرد. گفتم این برگه ها را برای چه می خواهی گفت آقا برای نوشتن نام پیامبران وقتی برگه قبلی را دیدم مشاهده کردم که شماره زده و نزدیک چهارصد اسم مختلف نوشته خدا رحم کرد که زود متوجه وگرنه صدو بیست و چهار هزار پیامبر جدید با نام های مختلف می نوشت.

سخن پایانی: از همه ی عزیزان می خواهم برای رقم زدن پنجره زندگی شان با همت و اراده مصمم قدم به دنبال معجزه هستند اما افراد قوی، خودشان معجزه بردارند زیرا افراد سست اراده همیشه به دنبال معجزه هستند اما افراد قوی، خودشان معجزه ها را می سازند.

ابوالفضل کلانتری دبیر فیزیک

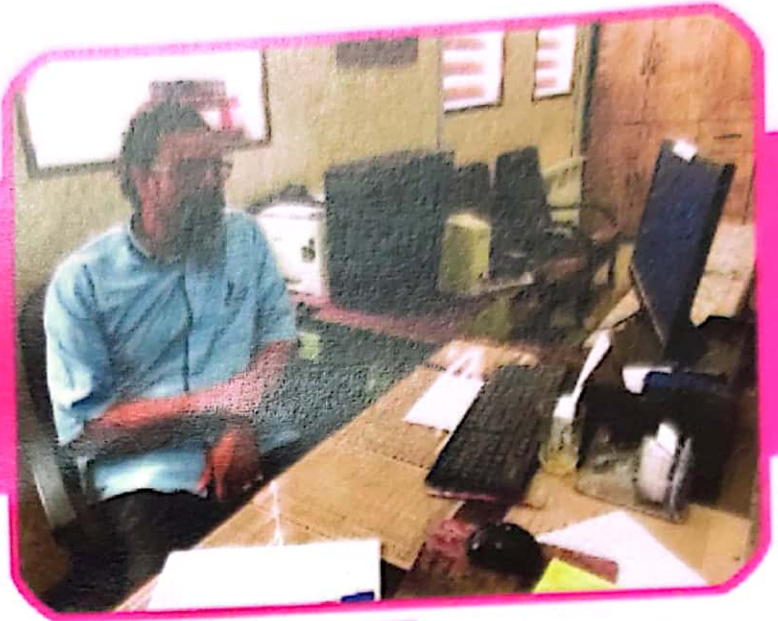


زیباترین خاطره از دوران تدریس: اوایل خدمت در یکی از دبیرستان های حاجی آباد بندرعباس تدریس می کردم. بچه ها لهجه یزدی را خوب متوجه نمی شدند. مرتب سوال می کردند. من هم یک دفعه حوصله ام سر رفت و گفتم مگر تری صحبت می کنم که یک دفعه کلاس منفجر شد و به هم ریخت. تگو که آن منطقه هم ترک دارد.

سلام، ابوالفضل کلانتری هستم؛ دبیر فیزیک. 42 ساله، 18 سال سابقه کار دارم اهل اردکان هستم. زیباترین خاطره از دوران تحصیل: اردوی ارومیه و تبریز بود که همراه دبیرستان نمونه اردکان سال اول دبیرستان رفتم. چرا به این کار و حرفه روی آوردید: من تدریس را واقعاً دوست می دارم. کار های زیادی را تجربه کرده ام ولی هیچ کدام مانند تدریس برایم لذت بخش نبوده است.

سخن پایانی: برای تمام شما عزیزان
آرزوی موفقیت و سربلندی دارم. در پناه

محمد سلمان زاده دبیر فرهنگ و هنر



چرا به این کار و حرفه روی آوردید؟؛ قبلاً گفته بودم که من تمام فکرم کار هنر است و به خصوص نقاشی. و همیشه با هنر، لذت می بردم.

زیباترین خاطره از دوران تدریس: تمام دوران تدریس به مانند دوران تحصیل خاطره است. یکی از خاطرات من، اولین روز تدریسم و بهتر این است بگویم اولین جلسه تدریسم، به خاطر استرس تا ده دقیقه نمی فهمیدم که دارم چه می گویم.

معرفی خودتان : محمد سلمان زاده هستم. در تیر ماه ۵۸ در ابرکوه به دنیا آمدم. از همان کودکی عشق به هنر و طبیعت داشتم. تا به دیپلم در ابرکوه بودم. دوران مدرسه عشق به ریاضی و جغرافیا و هنر داشتم. سال ۱۳۷۷ وارد دانشگاه هنر تهران شدم. به علت داستانی پس از یک ترم، تغییر رشته و وارد تربیت معلم اصفهان و سپس دانشگاه یزد در رشته نقاشی و بعدش کارشناسی ارشد نقاشی در دانشگاه شاهد تهران شدم.

زیباترین خاطره از دوران تحصیل: همه دوران تحصیل خاطرات است و بسیار خوش می گذشت حتی اگر کمی و کاستی در کار بود. یکی از خاطرات زیبایم با توجه به علاقه ام به طبیعت و جغرافیا، سال ۱۳۷۲، وقتی که دوم راهنمایی بودم، سیل عظیم، کل منطقه را فرا گرفت و به مدت چند روز تعطیل بودیم.

سخن پایانی: هرکاری که با عشق است، لذت است.



انجمن اولیا و مربیان

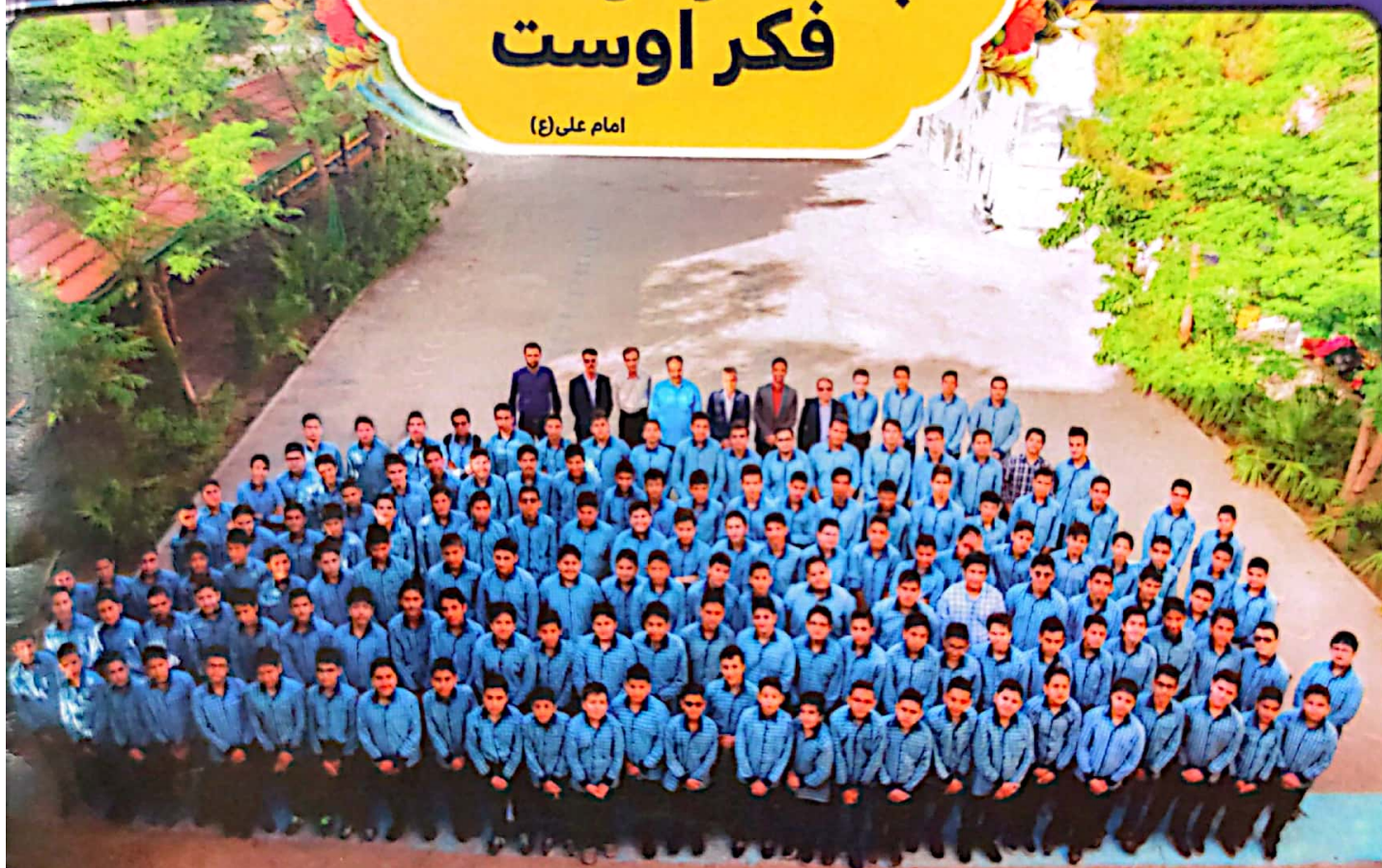
رئیس	محمد آقا شریعتمداری
نائب رئیس	سید محمد رستگاری
منشی	محبوبه وفائیان
عضو	محمد جعفری
عضو	جمال رحیمی راد
علی البدل	سید محسن چیتی
علی البدل	محمد رضا سالک
علی البدل	سید مصطفی داوودی

شورای دانش آموزی

رئیس	علی امیدی
نائب رئیس	محمد الدین اسلامی
منشی	شروین آقا شریعتمداری
عضو	مبین فرشی
عضو	محمد مسعود جعفری
عضو	سید حسین رستگاری
علی البدل	علی زمانی
علی البدل	شهراد مدنی

جهان هر کس به اندازه وسعت فکر اوست

امام علی (ع)



دبیرستان استعداد های درخشان
شهید دکتر رمضانخانی
یزدبلوار ۱۷ شهر یور، کوچه ژاندارمری

www.rsampad.ir